

## نوسازی و بازسازی معرفت دینی در بستر فضای مجازی

زهرا ضیایی<sup>۱</sup>

### چکیده

معرفت دینی بر مفاهیم و حقایق ذهنی مبتنی است که موضوع مطالعه پدیدارشناسان و تفسیرگرایان قرار گرفته است. این خصلت خاص معرفت دینی این امکان را فراهم آورده است تا در شرایط خاصی سطوحی از آن بازبینی، تجدید و نوسازی شود. در حال حاضر و در شرایط کنونی تأثیرگذارترین عامل در جریان نوسازی معرفت دینی فضای مجازی است که با برخورداری از سه فاکتور: در هر زمانی، با هر کسی و در هر کجا بیشترین اشتراک را با مفاهیم معرفت دینی دارد؛ زیرا سروکار هردو با مفاهیم فراتجربی و غیرمادی است. برخلاف تصور بسیاری، فضای مجازی چون از سنخ وجود است، پس واقعی تلقی می‌شود و تعبیر مجازی از باب غیرجسمانی و غیرفیزیکی بودن آن است. بنابراین، انتظار می‌رود که معرفت دینی توسط فضای مجازی که جزو نهادهای عینی است از شکل غیرعقلانی، مابعدالطبیعی و مناسکی صرف به شکل عقلانی، طبیعی و انسانی تغییر کند بدون آنکه در جریان نوسازی، جوهر دین از بین برود.

**واژگان کلیدی:** فضای مجازی، دین، معرفت دینی، نوسازی، عقلانیت.

### ۱. مقدمه

در دنیای امروز که عصر حاکمیت اطلاعات و ارتباطات نام‌گذاری شده سبب پیدایش انواعی از رسانه‌های اجتماعی شده که توانسته است با ورود قهری و اجباری خود در جوامع انسانی تغییرات

---

۱. دانش‌پژوه مقطع دکتری کلام اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Zahra Ziaai, Department of Theology, Bint Al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Afghanistan

EMAIL: 136211@gmail.com

ORCID ID:0000-0002-0769--1970

اساسی ایجاد کند. این رسانه‌ها با ویژگی‌های تعاملی و اشتراک‌گذاری، فضای نوینی را در عصر حاضر ایجاد کرده است که با نام کلی فضای سایبر یا فضای مجازی شناخته می‌شود. گسترش بی‌حد و مرز این فضا در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها سبب تغییرات اساسی در بعد معرفتی انسان شده است. یکی از مهمترین مواردی که در معرض تغییرات بوده و به‌طور محسوسی قابل مشاهده است نفوذ فضای مجازی در معرفت دینی است. آنچه ضرورت توجه به فضای مجازی و معرفت دینی را بیشتر می‌کند توجه به تأثیرپذیری معرفت دینی از فضای مجازی است؛ زیرا داعیه فضای مجازی آن است که با فتح و درنوردیدن مرزهای مرئی و نامرئی زندگی تمام مردم جهان، قصد تغییرات اساسی را دارد و با این انگیزه پای به عرصه وجود نهاده است. با این وجود، مبانی معرفتی دین اسلام که بر مبنای توحید بنیان نهاده شده است همواره سالکین را به خود جذب کرده و در عمق لایه‌های معرفتی انسان ساری و جاری است. پس این ادعای فضای مجازی مبنی بر فتح قله‌های معرفتی انسان باید بازبینی شود هرچند که نباید منکر تأثیرات فضای مجازی در برخی سطوح معرفت دینی بود.

پژوهش حاضر درصدد بررسی میزان تأثیرگذاری فضای مجازی در قالب یکی از حاملین نوسازی بر معرفت دینی است. همچنین درصدد بررسی و اثبات حدود و ثغور این تأثیرگذاری بر معرفت دینی است. مقالات فراوانی در زمینه فضای مجازی و موضوع دین نوشته شده است که عبارتند از: - دوج جهانی شدن‌ها و آینده جهان نوشته سعیدرضا عاملی. این مقاله با ارائه تصویری پارادایمی از واقعیت مجازی در کنار واقعیت فیزیکی سعی در نشان دادن دوفضایی شدن جهان امروز دارد؛

- مقاله دوج جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب از سعیدرضا عاملی که در فصلنامه علوم اجتماعی چاپ شده است. بیشترین تأکید این مقاله بر مسئله آسیب‌شناسی فضای مجازی است؛

- دکتر مجتبی عباسی قادی در مقاله هویت دینی در تعامل با فضای مجازی اینترنت به‌طور مفصل مباحث مربوط به هویت دینی و ویژگی‌های آن و تحولات آن را آورده است؛

-تأثیرات فرهنگی فضای مجازی در عرصه دین نیز مقاله ی دیگری است که نویسندگان آن سعی در نشان دادن تأثیر فرهنگی فضای مجازی در عرصه دین دارند. از میان پژوهش های انجام شده تاکنون مقاله، کتاب یا پژوهش مستقلی درباره این نوع تأثیرگذاری نوشته نشده است و اگر بتوان آن را خوب تبیین کرد، می تواند سرآغاز سایر پژوهش ها در باب معرفت دینی و فضای مجازی باشد. همین امر سبب ضرورت نگارش پژوهش حاضر شد.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۳-۱. معرفت دینی

پیش از بیان مفهوم معرفت دینی باید ابتدا دو مفهوم دین و معرفت تبیین شوند. دین فی نفسه امری است بسیط که از زمان حضرت آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله یکی و مشتمل بر مجموعه ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که اجرای آن متضمن هدایت بشر بوده و سعادت و رستگاری او را به همراه دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۷، ۱/۱۹۳). واژه معرفت اگرچه از نظر اصطلاحی، معانی و کاربردهای متفاوتی دارد، اما منظور از معرفت در موضوع معرفت دینی، همان معنای لغوی آن یعنی، ادراک مطلب و مطلق آگاهی است؛ خواه این آگاهی بی واسطه یا باواسطه و متعلق آن، چه از امور حسی و غیرحسی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۱/۱۵۱). معرفت دینی مجموعه فهم ها و تفسیرهایی دینداران از نصوص اصلی دین و گزاره های اعتقادی آن است که از آغاز یک سنت دینی تاکنون داشتند. برای مثال مجموعه فهم ها و تفسیرهای مسلمانان از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان از امامان معصوم علیهم السلام. از ظهور اسلام تاکنون بیانگر معرفت دینی مسلمانان و شیعیان است، پس میان مفهوم دین فی حدنفسه و معرفت دینی تفاوت مهمی وجود دارد. آنچه درباره دینداری دستخوش تغییر و تحول می شود ناظر به موضوع معرفت دینی است نه خود اصل و جوهر دین (قربانی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۱).

معرفت دینی متشکل از دو مقوله نوع ساختار باورها و اعمال و آیین های عبادی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). باورها جنبه نظری دارند و مبین چگونگی نگاه و نگرش انسان

دین دار به خدا، خودش، جهان و به‌ویژه رابطه خدا با انسان و جهان هستند. باورهای دینی همچنین نقش قوام‌بخشی را نسبت به آیین‌ها، اعمال یا احکام عبادی ایفا می‌کنند؛ یعنی ماهیت، نوع و چگونگی و نتایج اعمال عبادی و احکام دینی را تعیین می‌کنند. براین اساس است که در آموزه‌های الهی و سنت‌های دینی نیز باورهای دینی، تشکیل‌دهنده اصول مهم آن سنت دینی هستند و بقیه احکام و آیین‌ها مبتنی بر آنها و درباره آنها شکل گرفته و از آنها تغذیه می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۶۱). اهمیت آیین‌ها، اعمال و احکام عبادی آشکار است. آنها نتیجه نوع باورها و باورهای دینی بوده و براساس چگونگی باورهای دینی شکل می‌گیرند. اعمال عبادی مانند نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و... نمونه‌ای از اعمال و احکام عبادی اسلامی هستند که مبتنی بر نظام باورهای اسلامی شکل گرفته‌اند که البته متفاوت از نظام عبادی مسیحی و یهودی است. در مسیحیت نیز اعمال عبادی مانند دعا، نیایش، مراسم شام عشای ربانی و... را می‌توان ملاحظه کرد که براساس نظام باورهای مسیحی شکل گرفته‌اند (میشل، ۱۳۸۷، ص ۶۱). باوجود اینکه هر یک از این باورها، اعمال و آیین‌ها دومی‌تر و تشکیکی هستند؛ یعنی هر یک از آنها از نظر معرفتی و مرتبه وجودی، جایگاه یکسانی ندارند. برخی باورها در مرتبه وجودی عالی‌تر و جایگاه معرفتی برتر هستند. از این رو، سه لایه بنیادی، میانی و حاشیه‌ای برای هر یک از متغیرها قابل پیش‌بینی است (قربانی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). هردو مقوله یادشده در معرفت دینی با تأثیر از عوامل خارجی و بسته به اینکه در چه لایه و رتبه‌ای قرار گرفته باشند تغییرپذیر هستند.

### ۲-۳. نوسازی

نوسازی از نظر مفهومی عبارت است از کاربرد علم و تکنولوژی نوین در زندگی روزمره و با مفهوم انسان در قالب کسی که می‌تواند بر محیط اطرافش تأثیر مستقیم داشته باشد، همراه است. انسان در فرایند نوسازی با مجموعه‌ای از نهادهای عینی مانند شهرنشینی، تحصیلات و وسایل ارتباط جمعی که در قالب فضای مجازی مطرح است، مواجه است که حامل برخی نمادها مانند عقل‌گرایی، فردگرایی، انسان‌گرایی و... است. این پدیده از آن رو که مفهومی وارداتی است که در

بستر طبیعی تکامل جامعه اسلامی زاییده نشده فاقد یکپارچگی است. ایجاد دونوع تفکر سنتی و مدرن یا دوقشری شدن تفکرات از پیامدهای فرایند نوسازی است. (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۴۰). نوسازی پنج مؤلفه مهم دارد: الف) دیالکتیک ذهن و عین: بدین معنا که معرفت انسان در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه در ارتباط با موقعیت‌های اجتماعی و تاریخی است. بنابراین، تحولات و تغییرات این دو نیز برهم اثر می‌گذارند؛ ب) عقلانیت که عبارت است از نظام‌مند کردن ایده‌ها و روشن کردن ذهن در فهم رابطه ابزار-اهدافی زیرنظر مرجعیت آن ایده‌ها؛ ج) عقلانی شدن دین: به معنای نظام‌مند شدن ایده‌های دینی و ایجاد رابطه ابزار-اهدافی زیرنظر مرجعیت آن نظام ایده‌هاست که در غرب به اخلاق‌گرایی و انسان‌گرایی منجر شده است؛ د) اخلاق‌گرایی: در برابر مناسک‌گرایی که به مناسک مانند یک هدف می‌نگرد. اخلاق‌گرایی، مناسک را ابزاری برای تقویت و نیل به اهداف اخلاقی می‌داند؛ ه) انسان-طبیعت‌گرایی در مقابل نگرش جادویی کاریزمایی و مابعدالطبیعی که اشیاء و اعمال را حاوی نیروهای مرموزی می‌داند. انسان-طبیعت‌گرایی از اشیاء و اعمال، افسون‌زدایی می‌کند و آنها را پدیده‌هایی طبیعی و یا انسانی می‌داند (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۴۰). باتوجه به آنچه بیان شد وقتی پدیده‌ای بخواهد قالب نوسازی به خود بگیرد باید از این پنج فیلتر بگذرد. نکته مهم در پروژه نوسازی آن است که تفکرات و معرفت‌های مدرن متأثر از جریان نوسازی است که در بستر عوامل عینی و خارجی بازبینی و ترمیم می‌شوند.

### ۳-۳. مفهوم فضای مجازی

تعاریف متعددی از فضای مجازی صورت گرفته است. این فضا با وجود آنکه با مفهوم مجازی قرین و همراه است، اما به گفته بسیاری از کارشناسان به فضای واقعی اشتها دارد؛ زیرا از سنخ وجود است، پس به طور حتم، واقعی است. بنابراین، اگر مجازی در مقابل حقیقی و واقعی (Real) لحاظ شود این فضا نمی‌تواند مجازی باشد، ولی اگر مجازی در مقابل جسمانی و فیزیکی (Physical) در نظر گرفته شود تعبیر فضای مجازی شاید قابل قبول باشد (<http://oerp.ir/news>). کاستلز از نظریه‌پردازانی است که فضای مجازی را فضای مجاز واقعی می‌داند و معتقد است که فضای

مجازی سیستمی است که در آن، خود واقعیت در متنی از تصاویر مجازی و در جهانی واقع نما غرق شده است که در آن چیزهایی که بر روی صفحه ظاهر می‌شوند فقط تصاویری نیستند که تجربه به وسیله آنها منتقل می‌شود، بلکه خود به تجربه تبدیل می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۰، ص ۲۳). نکته مهم و قابل تأمل در موضوع فضای مجازی، نگاه تزلعی به این فضا است. یک ضلع آن مربوط به بعد فنی - مهندسی به این مجموعه و ضلع دیگرش به مسائل جامعه‌شناختی - ارتباطی مرتبط است. بعد فنی آن، محصول برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت است که بر بنیادهای فناورانه و نسل دوم ساخته شده‌اند و بعد جامعه‌شناختی - ارتباطی محتوا و روابطی هستند که در نتیجه تعاملات اجتماعی کاربران در بستر فناوری‌های دسترس‌پذیر مبتنی بر وب ایجاد شده‌اند (امجدی، ۱۳۹۷، ص ۱۱). در تعاریف فنی تأکید بر فناوری وب و برنامه‌های کاربردی است در حالی که تعاریف جامعه‌شناختی - ارتباطی بر تعامل کاربران و تولید و مصرف محتوا تأکید دارند. در حال حاضر آنچه با موضوع مورد بحث یعنی، معرفت دینی پیوند دارد بعد جامعه‌شناختی - ارتباطی فضای مجازی است که در جهان کنونی تمام معرفت‌های انسان را دچار تغییر و تحول کرده است.

#### ۴. ارتباط فضای مجازی با معرفت دینی

سطوح مختلف باورها، اعمال و آیین‌های دینی و عبادی با درجات مختلف تأثیر، عامل بسیار مهم فضای مجازی است. پیش از پرداختن به این مهم باید نکاتی پیرامون معرفت‌شناسی دینی بیان شود. یکی از جدیدترین مباحثی که حول معرفت دینی مطرح می‌شود موضوع تحول در معرفت دینی است. بدین معنا که معرفت دینی مانند سایر معارف بشری می‌تواند دستخوش تغییر و تحول قرار گیرد. این فرضیه با نگاه دوبعدی به معرفت دینی قابل اثبات است. به‌طور کلی، دو نگاه متفاوت به معرفت دینی مطرح است: یکی نگاه هم‌زمانی به معرفت دینی و دیگری نگاه در زمانی. نگاه هم‌زمانی به معنای آن است که معرفت دینی به صورت تزلعی مشخص در نظر گرفته شود که جزئیات معینی دارد و نسبت آن با دین، مورد مذاقه و سنجش قرار گیرد. گاهی نیز نگاه به معرفت

دینی، نگاه در زمانی است؛ یعنی معرفت دینی در هر برهه از زمان در فرایند نوسازی دچار تحول و دگرگونی می‌شود. بنابراین، معرفت دینی مانند سایر معارف، پدیده‌ای متحول و متحرک است که به طور دائم در حال تغییر و تحول است و رابطه آن پدیده متحرک با واقع دین سنجیده می‌شود. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۵۶). موضوع مورد بحث پژوهش حاضر موضوع معرفت دینی در قالب و نگاه این زمانی است. حال پرسش اساسی این است که چه چیزی یا چه عامل یا عواملی می‌تواند معرفت دینی را دچار تغییر و تحول کند. پاسخ این سؤال را باید در نظریه دورکیم مبنی بر جبران‌گاری فناوری یافت. دورکیم به تأثیر پدیده‌های اجتماعی در قالب واقعیتی بیرونی که انسان عصر حاضر را مجبور و متعین می‌سازد، اشاره کرده (جنیفر، ۱۳۸۵، ص ۷۰؛ مولکی، ۱۳۷۶، ص ۱۶؛ تریک، ۱۳۸۴، ص ۹۶). و معتقد است که فناوری، رکن رکنی است که انسان را مجبور می‌کند و تعینی به شخص می‌بخشد که فرد را تاب‌گریز از آن نیست. این سخن دورکیم به صراحت بیانگر این سخن است که اصلی‌ترین متغیر مستقل و فعال که می‌تواند کل زندگی اجتماعی انسان‌ها را متحول کند فناوری است. هرچه فناوری تحول پیدا کند ابعاد زندگی اجتماعی انسان‌ها نیز متحول می‌شود. ازسوی دیگر، یکی از جنبه‌های زندگی انسان‌ها بعد معرفتی و یکی از شقوق معرفتی آنها معرفت دینی است. براساس سخن دورکیم، حتی معرفت انسان‌ها نیز از فناوری تأثیر می‌پذیرد که سیستم معرفتی انسان‌ها را متعین و مشخص می‌کند (هایدگر، ۱۳۷۷، ص ۲۱۶).

آنچه در فرهنگ عصر جدید سمبل فناوری نامیده می‌شود فضای مجازی و غور در آن است که به طوردائم و روزبه‌روز دچار تحول و دگرگونی می‌شود. این فضا از آن‌رو که وسیله‌ای تعاملی و دوطرفه است و هرکسی با حداقل هزینه می‌تواند وارد این فضا شود و از آن استفاده کند به فضای گسترده‌ای مبدل شده که از نظر وسعت و سرعت، بی‌نهایت وسیع و لجام‌گسیخته (فرازمانی) و یکی از مهمترین بنایان تحول در عصر حاضر است. (رضایت، ۱۳۸۵، ص ۶۱). فضای مجازی عامل مهمی برای ایجاد تغییرات و تحولات معرفتی انسان به‌شمار می‌رود. سؤال دیگری که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که انسان می‌پذیرد که فضای مجازی می‌تواند بر معرفت او تأثیر بگذارد، اما آیا این فرض در مورد معرفت دینی نیز صادق است یا به عبارتی معرفت دینی

می‌تواند متأثر از فضای مجازی دچار تحول و دگرگونی شود. این تحول و دگرگونی‌ها تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد؟ فرجام معرفت دینی در بستر فضای مجازی چیست و اینکه آیا جوهر و اصل دین در بافت و هیئت دیجیتالی تغییر می‌یابد و مفاهیم آن از نو تعریف می‌شوند یا نه.

کلی‌ترین پاسخ به این سؤال‌ها این است که معرفت دینی آن‌هنگام که با موضوع تحول قرین و همراه شود سبب انشقاق دونوع معرفت دینی شده است: یکی معرفت سنتی دینی و دیگری معرفت مدرن دینی. معرفت سنتی دینی به‌هیچ‌روی با موضوع تحول و تغییر سر سازگاری ندارد. در این رویکرد، نگاه به معرفت دینی هم‌زمانی است؛ یعنی این نوع معرفت با چارچوب‌های اجتماعی-سیاسی-اقتصادی دوران قبل از نوسازی سازگار و هماهنگ است. درمقابل، جریان معرفت نوین و مدرن دینی مطرح است که با تأثیر از عوامل و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی عصر کنونی متحول، متحرک و پویاست. یادآوری این نکته نیز ضروری است که جریان معرفت سنتی دینی و مدرن، خود زیرمجموعه معرفت‌های پسینی است. معرفت‌های پسینی آن دسته از معارفی هستند که پس از شکل‌گیری معرفت‌های پیشینی به‌وجود می‌آیند. در معرفت‌شناسی پیشینی سروکار انسان با مفاهیم و تعاریف است مانند منطق و ریاضیات که اصول عام، ثابت و لایتغیر دارند ( <http://oerp.ir/news> ) و هرگز قابلیت تغییر و تحول را ندارند برخلاف معارف پسینی که تحول‌پذیر و متغیر هستند. ازطرف دیگر، اصلی‌ترین عامل این تحرک و پویایی فضای مجازی است. فضای مجازی، نیرومندترین ابزار بوده که نقش بسیار مهمی در پیش‌برد فرایند جهانی شدن، دگرگونی‌ها و تغییرات ایفا می‌کند و پیامدهای مختلفی در همه حوزه‌های زندگی بشر به‌همراه دارد. یکی از این حوزه‌ها حوزه معرفت دینی است. با ورود فضای مجازی و اینترنت و نفوذ و رسوخ آن در درونی‌ترین لایه‌های زندگی، انسان شاهد ایجاد سبک‌های مختلف زندگی است. سیر تحول جوامع از پیشامدرن به مدرن و پسامدرن با تغییرات قابل توجهی در سبک زندگی انسان‌ها به سه‌ضلعی شدن زندگی انسان‌ها منجر شده است (امجدی، ۱۳۹۷، ص ۲۶).





سه فضایی شدن سبک زندگی، استعاره‌ای برای اشاره به تغییرات سبک زندگی است که در طیفی از مؤلفه‌های واقعی، واقعی-مجازی و مجازی قابل تحلیل است. بودریار معتقد است که در جوامع پیشامدرن، نشانه، مصداق و معنایی بافت‌محور وجود داشت و به واقعیتی اشاره می‌کرد، اما در قرن شانزدهم تا میانه قرن بیستم که فرهنگ مدرن شکل گرفت رابطه میان نشانه و واقعیت دچار آشفتگی شد، اما از بین نرفت و به تدریج و با توسعه فناوری نوین ارتباطی و اطلاعاتی، مرز میان نشانه و واقعیت محو شد و فرهنگ مدرن و پسامدرنی به وجود آمد که در آن نشانه‌ها، واژه‌ها و رمزها قادر شدند جهان معنایی خودشان را بدون ارتباطی روشن با واقعیت بسازند. (سیدمن، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت از یک طرف انسان با موضوع معرفت دینی مواجه است که نوع پسینی آن در معرض تغییر و تحول است و موجب پیدایش دینوع معرفت دینی سنتی و مدرن شده و از سوی دیگر با مفهوم فضای مجازی مواجه است که با سه ضلعی کردن ابعاد زندگی انسان‌ها به‌ویژه بعد معرفتی موجب بروز و ظهور مفاهیم در سه شکل: واقعی، واقعی-مجازی و مجازی شده است. از این رو، وقتی سامانه فضای مجازی با انبوهی از پدیده‌ها، ایده‌ها و مفاهیم دیجیتالی وارد بافت سنتی گونه معرفت دینی می‌شود مانند منشور عمل می‌کند؛ بدین معنا که تنها می‌تواند از برخی از لایه‌های معرفت سنتی دینی بگذرد و فضایی واقعی-مجازی و مجازی صرف را انعکاس دهد و در بستر این انعکاس مفاهیم و خوانشی جدید از معرفت دینی همراه با تغییر و تحول به وجود آورد. توضیح آنکه وقتی موضوعات و مسائل معرفت دینی که باورها، اعمال و آیین عبادی را شامل می‌شوند در معرض فضای مجازی قرار بگیرند بخشی از آنها از نظر ساختاری و یا مفهومی مورد هجوم فضای دیجیتال قرار گرفته و دوائر این هجوم یا از بین می‌روند، یا تغییر می‌کنند و یا برخی از آنها نوسازی شده و به مفاهیمی نو مبدل می‌شوند که برخی از آنها واقعی-مجازی و برخی دیگر نیز مجازی ارائه می‌شوند.

نکته سومی که نباید آن را از نظر دور داشت، این است که از هم‌بستری معرفت دینی و فضای مجازی، مفهومی زاده می‌شود بانام نوسازی که از لوازم لاینفک این تلفیق و ائتلاف است. کاری که فرایند نوسازی بر سر معرفت دینی می‌آورد، این است که سه‌نمونه به اصطلاح آرمانی از معرفت

دینی را ارائه می‌دهد: گروهی که به معرفت دینی سنتی و معرفت علمی نوین نگاهی مجزا می‌کنند و هرکدام محدوده و قلمروی مشخصی دارند؛ گروه دوم، با جایگزینی و لانه‌گزینی معرفت علمی نوین به جای معرفت دینی سنتی سعی در حذف معرفت دینی سنتی می‌کنند و معرفت علمی نوین را تنها نمونه آرمانی معرفتی می‌دانند؛ گروه سوم، با تأثیر از معرفت علمی نوین، معرفت دینی خود را متحول ساخته و شکل جدیدی از معرفت دینی را به گونه‌ای که به عقلانیت انسانی، طبیعی و اخلاقی نزدیک‌تر باشد، ارائه می‌دهند. (پارسا، ۱۳۷۷) تمام این رویدادها و اتفاقاتی که برسر معرفت دینی می‌آید از کانال فضای مجازی و توسط فضای دیجیتالی است. از همین روست که کاستلز معتقد است که ورود شبکه‌های مجازی علاوه بر آنکه ریخت اجتماعی جدید جوامع را تشکیل داده سبک زندگی جدیدی مابین سنت و مدرنیته را نیز به وجود آورده است و از آنجا که رسانه و فرهنگ رسانه به طور هم‌زمان وارد جوامع جهان سوم نشده‌اند، ممکن است آسیب‌های جدی‌تری را به سبک زندگی وارد کنند (یزدان‌پور، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

این فضا با داشتن سه خصلت: در هر زمان (Anytime)، با هر کس (Anyone) در هر کجا (Anywhere) این فرصت را به تمام کاربران خود می‌دهد که حجم وسیعی از اطلاعات را به صورت فشرده در هر زمان و در هر مکان دریافت کنند و به قلمروی معرفتی خود بیافزایند. (http://oerp.ir/news) در این صورت این ادعا که معرفت دینی از نظر ساختاری، بکر و دست‌نخورده باقی بماند ادعای پوچی خواهد بود. بنابراین، فضای مجازی در قالب یک ابزار، نقش خود را در ایجاد نظام معرفتی جدید به خوبی ایفا کرده است.

#### ۴. ویژگی‌های معرفت دینی مجازی

##### ۴-۱. ساختار عقلانی و غیرعقلانی معرفت دینی

این موضوع یعنی، شخص آنچه که از سطوح معرفت دینی در بستر فضای مجازی و جریان نوسازی، درک و دریافت می‌کند، می‌تواند دونوع برداشت نسبت به آن داشته باشد: یا آنکه با نگاه ابزار-اهداف، برای رسیدن به ارزش‌های مشخصی مانند تکامل اخلاقی به آنها بپردازد؛ یا با نگاه

ابزار-اهداف برای رسیدن به اهداف اجتماعی مانند ثبات اجتماعی به آنها توجه کند. این نوع نگاه، نگاه عقلانی به معرفت دینی است. نقطه مقابل این نگرش، نگاه غیرعقلانی به معرفت دینی است که شخص نسبت به مسائل مطرح شده در فضای مجازی برخوردی عاطفی یا سنتی داشته باشد که این احساس عاطفی مبنای فهم وی است یا آن را سنتی به جامانده از پیشینیان و قابل احترام می‌داند. (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۴۴). این نوع نگرش حاکی از این است که در نگاه غیرعقلانی یا سنتی به معرفت دینی نگاه هدفی است. بنابراین، فضای مجازی این دو بستر را برای کاربران خود ایجاد می‌کند و با قرار دادن دو نگاه متفاوت در ساختار باورها بازخوردهای متفاوتی را میان کنش‌گران فضای مجازی دنبال می‌کند. طبیعی است که وقتی ساختار باورها در کشاکش نگاه عقلانی و غیرعقلانی یا عاطفی تفسیر شود اعمال، مناسک و شعائر دینی نیز دستخوش تحول و دگرگونی خواهد شد و این از پیامدهای فرایند نوسازی است که موجب ایجاد نگاه دوگانه به ساختار معرفت دینی می‌شود.

رقابت میان معرفت سنتی دینی و معرفت نوین دینی از اینجا آغاز می‌شود؛ جایی که تغییرات اساسی در جهان معاصر حاصل ستیز میان جهان واقعی و جهان مجازی است. وجود فضای مجازی در قالب پدیده‌ای نوظهور، موجب شده که ظرفیت‌های این جهان کمتر از میزان واقعی ارزشیابی شود درحالی‌که، جهان مجازی به موازات و گاهی مسلط بر جهان واقعی ترسیم می‌شود و عینیت می‌یابد؛ یعنی این دو جهان، رابطه‌ای انعکاسی-هندسی دارند. (عسکرزاده، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰). در چنین شرایطی معرفت نوین دینی که در سایه فضای مجازی و به مدد فناوری به ساختار باورها و اعتقادات شکلی نو می‌بخشد تمام تلاش خود را مبدول می‌دارد تا آنها را به فرهنگ مبدل کند. فرهنگی که بالاجبار وارد زندگی انسان‌ها شده و موجب تغییرات اساسی در شیوه مرسوم و معمول زندگی آنها شده است. معرفت سنتی دینی نیز تا حدودی این تغییرات را پذیرفته است دلیل آن هم این است که امروزه جماعت‌های دینی سنتی اکنون در جماعت‌های مجازی دینی با مرزهای باز حضور می‌یابند (مقدس، ۱۳۹۸، ص ۴۵). هنگامی که معرفت دینی از دریچه فضای مجازی ارائه شود و به اصطلاح شبکه‌محور شود این توانایی را پیدا می‌کند تا

معرفت‌های سنتی دینی را غیرجامع، کم‌اعتبار و یا حتی فاقد کارکرد نشان دهد. با کم‌رنگ کردن باورها، تغییر در ساختار آنها، زیرسؤال بردن محتوای آنها و سلب جنبه‌های عقلانی از آنها زمینه تغییرات اساسی در معرفت دینی بیش‌ازپیش فراهم می‌شود. با آنکه با نشان دادن ایده‌ها، مفاهیم و ذخایر دیجیتال بدیل و جایگزین آنها را نیز معرفی و وارد میدان می‌کند؛ چیزی که امروزه از آن به اقتداردینی اینترنتی تعبیر می‌کند.



#### ۴-۲. رهیافت متافیزیکی و طبیعی-انسانی در موضوعات معرفت دینی

یکی از مسائلی که حول معرفت دینی مطرح می‌شود، این است که فضای معرفت دینی در بستر فضای مجازی به این قابلیت دست پیدا می‌کند که دونوع تفسیر متفاوت از باورهای دینی به دست دهد: یکی معرفت دینی متافیزیکی و دیگری معرفت دینی انسانی-طبیعی. معرفت دینی متافیزیکی به نوعی به دخالت ماوراءالطبیعی و تأثیر فوق طبیعی و فراانسانی ایمان دارد و تمام پدیده‌ها را به گونه‌ای رمزآلود و مرموز تفسیر می‌کند. معرفت دینی انسانی-طبیعی معتقد است که تمام رخدادها و وقایع، پدیده‌هایی طبیعی و انسانی و خالی از هرگونه تأثیر و دخالت ماوراءالطبیعی دیده می‌شوند و به اصطلاح این پدیده‌ها از حالت قدسیت خارج می‌شود و وجهه دنیوی پیدا می‌کند. (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۵۵). امروزه بسیاری از روشنفکران دینی از جمله سروش و اتباع وی، موضوع نبوت سرمشقی و نبوت اخلاقی (اشاره به دونوع متفاوت ارتباط با منبع مشروعیت). را مطرح می‌کنند که اشاره مستقیمی به موضوع بحث حاضر دارد. نبوت سرمشقی تمایل دارد خودش را در ظرف خدا تعریف کند درحالی که نبوت اخلاقی خودش را ابزاری برای اراده الهی می‌بیند. این دونوع نگاه به نبوت که یکی از ارکان معرفت دینی است گاهی تفسیر انسانی-طبیعی و گاهی به صورت ماوراءالطبیعی تفسیر می‌شود. این دو سبک تفسیر از معرفت دینی متأثر از فضای مجازی است. متأسفانه بسیاری از عکس‌ها، فیلم‌ها و کلیپ‌های ارائه شده در فضای مجازی بیشتر بر تفسیر انسانی و طبیعی تکیه دارد و این همان معرفت نوین دینی است که محور تمام مسائل و موضوعات دینی را انسان، قدرت و توانایی‌های او می‌داند و هرگونه تفسیر ماورایی و

یا دخالت آن را در پدیده‌ها و باورهای دینی رد می‌کند. حاصل این نوع نگاه چیزی جز تقویت نظریه اومانستی و اختیار مطلق انسان در تفسیر پدیده‌های جهان نخواهد بود؛ آن هم انسانی که خود، حاصل و زاینده فضای مجازی و تسلیم محض در برابر آن است (مارکور، ۱۳۶۲، ص ۶). نه انسان بماهو انسان، حال آنکه تفاسیر ماورایی و متافیزیکی از باورهای دینی، بیش از هر چیزی بر وحدت استوار است.

سید حسین نصر معتقد است که در تمدن سنتی، نوعی وحدت بر فنون و مصنوعات بشر حاکم بود. تولید - از تولید یک شانه ساده گرفته تا تصنیف یک شعر و هرچه که تصور کنید - زنجیره‌ای مستمر و وحدانی بود که همیشه با خدا مرتبط بود. تفکر بشری حاکم بر عصر ماقبل فناوری مدرن سیطره روح یگانگی بر هستی و پدیده‌های جهان بود. بشر می‌خواست یگانگی و عدم کثرت خدا را در پدیده‌های متنوع دست‌ساخته خود متجلی کند. (نصر، ۱۳۸۴، ص ۲۰) این دوگانگی بیشتر ناظر به حوزه تئوریک یا نظریه‌پردازی معرفت دینی است که کارشناسان دینی با ارائه الگوها و مدل‌های متنوعی به بحث از معرفت دینی می‌پردازند. این جریان نیز توسط پروژه نوسازی، به روزرسانی می‌شود. بنابراین، در هر عصر و زمانی الگوها و مدل‌های خاصی برای تبیین معرفت دینی وجود دارد و کثرت‌گرایی در تفسیر دیده می‌شود.

#### ۴-۳. رهیافت مناسکی - اخلاقی در معرفت دینی

این بعد از معرفت دینی بیشتر به جنبه عملی توجه دارد تا به مباحث نظری. در جنبه مناسکی، بیشترین توجه فرد به انجام مناسک دینی است و یگانه راه رسیدن به رستگاری، بی‌توجهی به دنیا و انجام مناسک خاص قلمداد می‌شود، اما بعد اخلاقی، یگانه راه رستگاری را در اخلاق و درگیری مستقیم در دنیای اجتماعی و انسان‌ها می‌بیند. (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۵۶). وقتی مجموعه‌ای از موضوعات و مسائل در باب معرفت دینی در فضای مجازی با کاربران فراوان منتشر و ارائه شود انتظار تغییرات احتمالی الگوی معرفت سنتی دینی نابه‌جا نخواهد بود. تزریق اجباری فضای مجازی بر معرفت دینی موجهی از دوگانگی عملی میان متدینین ایجاد کرده است. تاکید بر ریاضت

آن جهانی، ریاضت این جهانی و یا تصوف این جهانی و آن جهانی همگی از تبعات جبری حاصل از فضای مجازی است که همه کاربران را درگیر کرده است. اهتمام و توجه به مناسک گرابی در باورهای دینی، فرد را در شرایطی قرار می‌دهد که کمتر حقایق و قطعیت‌های دینی را مورد پرسش و بازبینی قرار می‌دهد و این همان معرفت دینی سنتی است، ولی هنگامی که این معارف در فضای مجازی نقد شود و موجی از شک‌اندیشی و حساسیت به آنها در افراد و اجتماع ایجاد شود مورد بازبینی و بازسازی قرار خواهد گرفت و دایرمدار شخصیت، رفتار و خصوصیت‌های شخصی افراد قرار می‌گیرد و کمتر به جنبه مناسکی آن توجه می‌شود.



##### ۵. سطوح تأثیرگذاری فضای مجازی بر معرفت دینی

تأثیر فضای مجازی بر معرفت دینی نباید موجب این گمان شود که فضای مجازی تمام ابعاد معرفت دینی را احاله کرده و لایه‌های معرفت دینی را درنوردیده است؛ زیرا به گفته آلبرت شوایتزر (Albert Schweitzer) (5691 - 5781) شاید کمال مطلوب این باشد که حقیقت دینی به صورت مستقل از هر نوع ارتباط و پیوندی با هر دوره خاص بیان شود به گونه‌ای که هر نسلی بعد از نسل دیگر بتواند حقیقت دینی را به سهولت و سادگی تحویل بگیرد، اما این چنین نیست. انسان ناگزیر از پذیرش این واقعیت است که حقیقت دینی از عصری به عصر دیگر متفاوت و متغیر است؛ یعنی حقیقت دینی عصری است. (عاملی، ۱۳۹۴، ص ۷۶). در اینجا باید گفت که سه چیز وجود دارد: یکی، واقع دین؛ دوم، نصوص دین که می‌خواهد واقع دین را بیان کند؛ سوم، معرفت دینی. هر یک از این سه قسمت، جهانی مستقل از یکدیگر دارند. رابطه نص با واقع دین این است که نص لوح فشرده واقع دینی است؛ یعنی اگر واقع دین شناخته شود انسان سراغ نص می‌رود، اما معرفت دینی خودش جهان مستقلی دارد. بنابراین، در باب معرفت دین، سه لایه یا سطح: بنیادی، میانی و حاشیه‌ای وجود دارد (قربانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱). براساس این تقسیم، هسته یا سطوح بنیادی معرفت دینی که همان اعتقادات پایه هستند مانند باور به وجود خدا و جهان آخرت از آن دست باورهایی است که کمتر از عوامل نوسازی مانند فضای مجازی تأثیر گرفته‌اند. مهمترین علت این امر دوجیز است:

نخست آنکه این‌گونه مسائل و موضوعات در تمام ادیان الهی و حتی برخی از ادیان غیرالهی مشترک هستند و دوم آنکه، این‌گونه موضوعات با عقل و فطرت انسان هماهنگ است. از این رو، کمترین تغییرات و تحولات را متحمل شده‌اند (جان‌هیک، ۱۳۸۶، ص ۹۰).

بخش‌های میانی معرفت دینی که شامل باورها، اعمال و آیین‌های عبادی هستند نسبت به بخش بنیادی از جریان نوسازی و فضای مجازی تأثیر می‌گیرند. مسائل و موضوعاتی مانند رابطه انسان با خدا و جهان هستی از مواردی است که تا حدودی متأثر از فضای مجازی و متغیرات خارجی هستند و حتی مشاهده شده که دچار تحریفات و تغییرات اساسی شده‌اند (رشاد، ۱۳۸۶، ص ۵۶)؛ زیرا معرفت دینی جزئی از کل نظام معرفتی انسان است و مانند سایر معارف بشری و در ارتباط با دنیای زندگی اجتماعی انسان‌ها ساخته و پرداخته می‌شود. معرفت انسان‌ها در خلأ ساخته نمی‌شود، بلکه در بستری از متغیرات خارجی متولد و رشد می‌کند. آنچه مسلم است این است که هیچ پدیده‌ای به اندازه فضای مجازی، معرفت بشری را دگرگون نکرده است. فضای مجازی در قالب عاملی خارجی، موجب تنوع و تغییر در معرفت دینی می‌شود، اما باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که یک عامل درونی نیز در این تغییرات و تحولات دخیل است و آن هم خود انسان یا من فاعلی است که به صورت خلاق، خودجوش و پیش‌بینی‌ناپذیر در تمام حوزه‌ها به‌ویژه در حوزه دین می‌تواند نوآوری‌ها و اصطلاحات جدیدی را بسازد. بنابراین، خود انسان از راه فضای مجازی می‌تواند فضای معرفت دینی را متغیر و متحول کند. نتیجه این جریان، وجود نسبیت‌گرایی و احتمال‌گرایی در باورها و اعتقادات دینی است که معرفت مدرن دینی را به همراه دارد و موجب نوسازی و بازسازی‌هایی در چارچوب دین و مذهب می‌شود.

نتیجه این نوع باور:

- گذر از دین ابزاری، یعنی، وقتی اعمال دینی فی‌نفسه به صورت هدف در نظر گرفته شوند به رابطه ابزار-اهداف که هسته ایده عقلانیت است نرسیده‌ایم و نگرش ما به دین و معرفت دینی غیر عقلانی، سنتی یا عاطفی است؛

-افسون زدایی و گذار از مناسک گرایبی به اخلاق گرایبی است. تنها راه رستگاری اخلاق است نه مناسک دینی، باورها و شعائر دینی؛

-گذار از توجیحات جادویی به توضیحات طبیعی-انسانی که هم راه اخلاق گرایبی باز می شود و هم به شفاف تر شدن عقلانیت کمک می کند (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

آن دسته از باورها و آیین های عبادی که در منطقه حاشیه و بیرونی قرار گرفته اند بیشترین تأثیر را از عوامل خارجی و فضای مجازی دریافت کرده و سهم آنها در پروژه نوسازی چندین برابر بوده است. موضوعاتی مانند اهمیت دعانویسی، باور به نحس بودن ایام هفته، مکان ها و زمان ها از جمله مباحثی است که از اصل و ریشه خود فاصله گرفته و بیشتر جنبه تقلیدی به خود گرفته اند. این میزان از تأثیرگذاری از فضای مجازی موجب بروز نوسازی های اساسی، موقتی بودن و محلی بودن آنها شده و فضای معرفت دینی در این قسمت آلوده و مسموم است.

#### ۶. نتیجه گیری

جریان نوسازی با سریع ترین سرعت ممکن در قالب فضای مجازی به صورت امری قهری وارد تمام ابعاد زندگی انسان ها شد و بر تمام زوایای زندگی انسان تأثیر گذاشت. یکی از مهمترین موضوعاتی که امروزه برای جامعه متدین، مشکل و مسئله ساز شده موضوع معرفت دینی است. یکی از مهمترین مسائل در موضوع معرفت دینی، تغییر و تحول در معرفت دینی است. معرفت دینی نیز از جریان نوسازی توسط فضای مجازی مصون نمانده و با تأثیر از فضای مجازی دستخوش بازسازی، ترمیم و یا شاید تغییر اساسی شده است. مدل هایی از معرفت دینی بازسازی شده وجود دارد که در قالب و شکل عقل گرایبی، اخلاقی و طبیعی تفسیر و تبیین شده اند که تنها در سطح لایه های بیرونی رسوخ کرده و موجب فرسایش و تغییر بافت محتوایی باورها در این سطوح شده اند و به لایه های درونی آن نفوذ نکرده اند. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر عبارتند از:

-دین، بعدی دارد به نام معرفت دینی؛





- با ورود جریان نوسازی در قالب فضای مجازی، شکل جدیدی از معرفت دینی به تصویر کشیده شد؛

- ویژگی‌های معرفت دینی مجازی عبارت است از عقلانی شدن، انسان‌گرایی، اخلاق‌گرایی و طبیعت‌گرایی؛

- در اثر این فرایند (نوسازی)، دین و جوهر دین از بین نمی‌رود، بلکه تنها معرفت دینی مردم آن‌هم در سطح بیرونی‌تر تغییر می‌کند؛

- سطوح بیرونی معرفت دینی از شکل حقیقی خودش به اشکال دیگری تبدیل می‌شود.

نکته آخر این است که وظیفه انسان در قبال این تغییرات و تحولات چیست؟ آیا تنها بدین دلیل که ورود فضای مجازی امری غیرقابل اجتناب است نباید کاری کرد؟ به طور مسلم شرایط استفاده از فضای مجازی در آینده از راه سیاست‌گذاری‌های کلان نیازمند بازنگری اساسی است. نگاه به فضای مجازی در تقابل با فضای واقعی نه تنها کاری را از پیش نمی‌برد، بلکه بیشتر باعث سردرگمی افراد می‌شود، پس تنها راه حل این است که باید پذیرفت که این دو فضا درهم تنیده شده‌اند و هیچ‌گیزی از این مسئله نیست. راهکار اصلی این است که نخست به قلمرو فعالیت‌ها در فضای مجازی وسعت بیشتری داده شود؛ یعنی موضوعات و مسائل معرفت دینی نیز به دامنه استفاده از فضای مجازی افزوده شود و این نکته که فضای مجازی تنها وسیله‌ای برای استفاده صرف از موضوعات مادی، تفریحات و... است کنار گذاشته شود. معرفت دینی، یکی از معارفی است که باید در قلمرو و حیطه فضای مجازی قرار گیرد. برای این منظور باید سازمان‌ها، ارگان‌ها و تشکیلاتی تأسیس شوند که علاوه بر اینکه با ایجاد فضای مجازی پاک به مکانی برای تبادل اطلاعات دینی و مذهبی تبدیل شوند، خود به تولید ابزارها و سامانه‌هایی که با اهداف و ارزش‌های اصیل اسلامی بیشترین تناسب را دارند برای بالابردن معرفت دینی انسان‌ها اقدام کنند. این مهم محقق نمی‌شود جز از راه شناسایی فضای مجازی و فرهنگ‌سازی آن و شیوه استفاده از آن به صورت مطلوب.

## فهرست منابع

۱. امجدی، هادی (۱۳۹۷). تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی اسلامی طلاب و دانشجویان. پایان نامه ارشد. دانشگاه معارف اسلامی (دانشکده مطالعات انقلاب اسلامی).
۲. پارسا، کی آرش (۱۳۷۷). بررسی تأثیر جریان نوسازی بر معرفت دینی مردم ایران. پایان نامه ارشد. دانشگاه شیراز.
۳. تریک، راجرز (۱۳۸۴). فهم علم اجتماعی. مترجم: مسمی پرست، شهناز. تهران: نشر نی.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: مرکز نشر اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). دین شناسی. قم: مرکز نشر اسراء.
۷. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۶). منطق اکتشاف دین و فلسفه معرفت دینی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. رضایت، علیرضا (۱۳۸۵). دین آنلاین چالش یا فرصت. نشریه اخبار ادیان، سال چهارم، شماره ۲، ۶۱-۶۲.
۹. سیدمن، استیون (۱۳۸۶). کشاکش آرادار جامعه شناسی. تهران: انتشارات نشر نی.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۷). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
۱۱. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۴). ماهیت فضای مجازی و جایگاه دین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. عسکرزاده، ملیحه. و جوادیان نیک، سمیه (۱۳۹۸). تأثیرات فضای مجازی در عرصه دین، شماره ۱۸ مجله: International multidisciplinary journal of pure life. Vol.6. no.18.
۱۳. قربانی، قدرت الله (۱۳۹۸). نقش فرهنگ در دینداری و شبکه معرفت دینی. نشریه نقد و نظر، سال بیست و چهارم، شماره ۳، ۱۰۷-۱۳۰.
۱۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۹۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ. مترجم: علیقلیات، احمد، و خاکباز، افشین. تهران: انتشارات طرح نو.
۱۵. له‌مان، جنیفر (۱۳۸۵). ساخت شکنی دورکیم. مترجم: مسمی پرست، شهناز. تهران: نشر نی.
۱۶. مارکور، هربرت (۱۳۶۲). انسان تک‌ساختی. مترجم: مویدی، محسن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). آموزش فلسفه. تهران: دفتر نشر بین الملل.
۱۸. مقدس، اعظم (۱۳۹۸). فضای مجازی و حقیقی تاریخی؛ درآمدی بر دین و فضای مجازی، مجله: pure life. Vol.6. no.18. moharam1441. Shahrivar1398
۱۹. مولکی، مایکل (۱۳۷۶). علم و جامعه‌شناسی معرفت. مترجم: کچویبیان، حسین. تهران: نشر نی.
۲۰. میشل، توماس (۱۳۸۷). کلام مسیحی. مترجم: توفیقی، حسین. قم: انتشارات ادیان و مذاهب.
۲۱. نصر، سید حسن (۱۳۸۴). علم و تمدن در اسلام. مترجم: آرام، احمد. تهران: انتشارات نشر نی.
۲۲. هایدگر، مارتین، و دیگران (۱۳۷۷). فلسفه تکنولوژی. مترجم: اعتماد، شاپور. تهران: نشر مرکز.
۲۳. هیک، جان (۱۳۷۶). فلسفه دین. مترجم: سالکی، بهزاد. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

